



اسماعیل نصیری^۱

استقرار واحدهای صنعتی، عاملی تأثیر گذار بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی «نمونه تجربی: روستاهای شهر بومهن»

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱/۲۷

چکیده

راهبرد ورود صنایع به نواحی روستایی به عنوان راهکاری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه تلقی می شود. مسلم است که نواحی صنعتی روستایی باعث جذب صنایع کوچک در روستاها و موجب تقویت اقتصاد روستایی، افزایش ارزش افزوده مواد تولیدی، ایجاد مشاغل و صرفه جویی در مصرف سرمایه ها می شود. در این مقاله به منظور ارزیابی تأثیر واحدهای صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، ده روستا (که در این بین پنج روستا برخوردار از صنایع و پنج روستا فاقد صنایع هستند) پیرامون شهر بومهن که در ۴۰ کیلومتری کلانشهر تهران واقع شده، به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. نتایج به

دست آمده از این تحقیق که با استفاده از روشهای آماری (پارامتری و ناپارامتری) و مطالعات میدانی در سال ۱۳۸۶ به دست آمده، بیانگر آن است که در دو جامعه نمونه از ده شاخص برگزیده، افزایش درآمد، رضایت و ثبات شغلی و عدم مهاجرت و انگیزه ماندگاری، تغییر در الگوی مصرف، تغییر در ترکیب سنی جمعیت، مشارکت در امور روستا، استفاده از رسانه های ارتباط جمعی، سواد، بیمه، کمیت مسکن روستایی) در روستاهای مورد مطالعه تفاوت معناداری را نشان می دهند.

کلید واژه ها: واحدهای صنعتی، فرایند توسعه روستایی، بومهن، شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی.

مقدمه و طرح مسأله

راهبرد صنعتی سازی روستایی، به عنوان فرایندی که ابزارهای مناسب برای متنوع سازی اقتصاد روستایی را فراهم می آورد، رویکردی اقتصادی است که با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توزیع متعادل تر درآمد، منجر به بهبود سطح زندگی روستائیان و به تبع آن زمینه نیل به توسعه پایدار روستایی را فراهم می آورد (Lee, 2007: 3).

نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی عاملی تأثیر گذار بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی و آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی محسوب می شود. بر اساس این دیدگاه، صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت های غیر کشاورزی عاملی در افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانوارهای روستایی محسوب می شود. تأثیر و نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال می تواند دارای اثرات تکثری باشد، به طوری که تجربیات کشورهای متعدد نشان می دهد هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن نه تنها نقش اقتصادی با ارزش در مناطق روستایی ایجاد می کند، بلکه منجر به اقتصاد خود رانشی می شود (Wetize, 2006: 63). بر این اساس صنعتی شدن می تواند نقش بسیار

مهمی در توسعه روستایی از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره برداری، ایجاد فرصت های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش های اقتصادی ایفا نماید (PDP, 2007: 19).

بررسی مقوله راهبردهای توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم نشان می دهد که هر یک از این کشورها متناسب با ویژگی های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی خود رویکردهای متفاوتی را در این زمینه داشته اند. یکی از راهبردهای مهم توسعه در ایران در دهه های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ استراتژی صنعتی کردن روستاها و طرح ایجاد نواحی صنعتی روستایی است (اختر، ۱۳۸۳: ۹۳).

هر چند این مقوله برای اولین بار در برنامه عمرانی دوم (قبل از انقلاب) مطرح شده است، لیکن چون رویکرد اصلی برنامه های عمرانی قبل از انقلاب در بخش صنعت بر استراتژی توسعه صنعتی در نقاط شهری استوار بود، صنایع روستایی هیچگاه نتوانسته جایگاه واقعی خود را در عمران روستایی بیابد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۷). در سال های آغازین انقلاب نیز عمده فعالیت های روستایی به اجرای طرح های زیر ساختی و فیزیکی معطوف بود. تا اینکه در برنامه ی اول توسعه اقتصادی- اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، صنایع روستایی از لحاظ اهمیتی که در بالا بردن سطح درآمد روستائیان و ایجاد زمینه های ارتقاء تکنولوژی فعالیت های سنتی و بومی داشته است، مورد توجه قرار گرفت یکی از طرح های دولت در این برنامه «ایجاد نواحی صنعتی روستایی بود (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۰). یکی از سیاست های اساسی دولت در توسعه روستایی، تنوع بخشیدن به اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت بی رویه روستا - شهری و کاهش نابرابری های فضایی بین مناطق شهری و روستایی است که این اهداف کلی در قالب برنامه ها و طرح هایی تدوین شده و به صورت هدایت شده در بخش های مختلف کشور بویژه در نواحی روستایی در حال اجرا است (صحرائیان، ۱۳۸۰: ۲۲).

در این زمینه گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ بنای استراتژی توسعه آینده مورد بحث قرار داده و معتقدند صنعتی شدن روستایی در چهارچوب

طرح جامع ملی و نیز افزایش نرخ صادرات در جهت ایجاد تعادل در تراز پرداخت ها با سه هدف عمده اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاری و کاهش عدم تعادل بین منطقه ای امری اجتناب ناپذیر در فرایند توسعه اقتصادی است. توجه به این امر مهم در دو دهه اخیر استقرار صنایع در روستا در قالب شهرک ها و نواحی صنعتی را در دستور کار مسوولان و برنامه ریزان کشور قرار داده است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۴-۱۵). دهستان سیاهرود شهر بومهن، جزئی از جامعه روستایی کشور است که به دلیل ناپایداری شرایط اکولوژیک از جمله خشکسالی های دوره ای و پیامدهای ناشی از آن همچون کمبود منابع آب، کمبود اراضی کشاورزی، عدم امکان افزایش سطح زیر کشت و غیره با ضعف بنیان های کشاورزی مواجه بوده و قادر به تأمین شاخص های اقتصادی- اجتماعی مناسب برای توسعه روستایی نیست. لذا این مقاله در پی پاسخ گویی به این سوالات است: آیا صنایع روستایی در محدوده مورد مطالعه در صنایع کوچک گامی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه روستایی دهستان سیاهرود بومهن است؟

مبانی نظری پژوهش

در این قسمت با توجه به اهمیت تئوری ها و دیدگاه های موجود در زمینه صنایع روستایی و تأثیر آن در توسعه روستایی به ادبیات نظری پژوهش پرداخته می شود:

هاگ ضمن تحلیل فرایند توسعه روستایی بر این باور است که در امتداد با دیگر بخش های اقتصادی و اجتماعی، صنعت باید به عنوان مهم ترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفته شود. ماهیت و الگوی صنعتی شدن چه در ابعاد کوچک مقیاس، و یا صنایع دستی و چه در صنایع بزرگ مقیاس تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطقه ای است (Chadwick, 2007: 55). هاگ تصریح می کند که صنعتی شدن ضمن ایجاد مهارت های جدید و ایجاد هماهنگی، موجب شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در مناطق روستایی است (مومنی، ۱۳۸۵: ۱۲). نایاک ضمن تحلیل روندهای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه معتقد است که ارائه طرح های توسعه برای مناطق روستایی این کشورها غالباً با شکست روبرو شده اند. از نظر وی تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری مناطق

روستایی ایجاد فرصت های شغلی است و برنامه ریزی جهت استقرار صنعت در مناطق روستایی می تواند ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق سازد (pears, 2007: 77). راجرز با بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک ها و مناطق روستایی ایالت آیوا نشان می دهد که صنعتی شدن روستایی منافع وسیعی را برای اجتماعات مورد مطالعه در برداشته به طوری که سبب افزایش یکپارچگی خانوارها، افزایش درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمد ها شده است (مطیعی لنگرودی و همکار، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۰). آبراهام نیز با بررسی الگوی صنعتی شدن روستایی هند معتقد است که استقرار صنعت در مناطق روستایی توانسته نقش بسیار مهمی در ایجاد اشتغال و درآمد داشته باشد (Abraham, 2004: 33). صنعتی شدن روستایی با استفاده از منابع محلی سبب تحکیم الگوی عدم تمرکز صنایع بوده و پلی است که پیوند بین مناطق شهری و روستایی ایجاد می کند و در واقع اختلاف زندگی در نواحی شهر و روستا کاهش می یابد (Walkers, 2007: 83). شای با بررسی سیاست های توسعه روستایی در کشور تایوان ظهور تخصص گرایی، تعادل مناطق شهری و روستایی، افزایش درآمدهای محلی و افزایش ضریب اشتغال غیر کشاورزی را از اثرات استقرار صنعت در مناطق روستایی می داند (گرگانی، ۱۳۸۶: ۴۳-۳۵). این اساس باید اذعان داشت که امروزه صنعت به عنوان اصلی ترین ابزار در توسعه و بخصوص توسعه مناطق عقب مانده نقش محوری را به خود اختصاص داده است. این نقش شاید برخاسته از این واقعیت است که عوامل تولید در بخش صنعت در مقایسه با کشاورزی قابلیت جابجایی و انعطاف پذیری بیشتری با شرایط، اوضاع و احوال محیطی - منطقه ای و ملی دارد. به همین دلیل قطب های توسعه بخصوص در کشورهای جهان سوم و خاصه در مناطقی که فاقد پتانسیل مناسب جهت توسعه کشاورزی هستند، بر مبنای صنعت استوار می شوند (Smith, 2008: 77). اما به رغم نقش و اهمیت این بخش در توسعه مناطق عقب مانده، بسیاری از دولت ها در کشورهای جهان سوم به دلیل تمرکز در تصمیم گیری و سیاست گذاری، بیشتر به رشد ملی توجه دارند تا به توسعه ی یکپارچه منطقه ای و به همین دلیل برنامه های پنج ساله تهیه شده در این کشورها همواره بر میزان نرخ رشد تأکید کرده و برنامه ها و فعالیت ها را در راستای دستیابی به آن

تنظیم و اجرا می‌کنند. بررسی وضعیت صنعتی در این کشورها نشان دهنده این واقعیت است که صنایع عمدتاً در چند قطب توسعه متمرکز شده و مابقی مناطق در واقع از لحاظ صنعتی به طور عقب مانده رها شده‌اند. این روند در نهایت منجر به توسعه بیشتر مناطق توسعه یافته و عقب ماندگی بیشتر مناطق عقب مانده می‌گردد و شکاف بین مناطق را افزایش می‌دهد. بر این اساس به منظور جلوگیری از رشد ناموزون باید توجه بیشتری به صنعت نمود، به نحوی که صنعت به دلیل انعطاف پذیری و قابلیت جابجایی عوامل تولیدی آن، می‌تواند به عنوان اهرمی در جهت توسعه، مناطق عقب مانده مورد استفاده قرار گیرد (نجفی کانی، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۰). کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه برای تقویت ساختاری خود باید صنایع روستایی را توسعه دهد، زیرا این دسته از صنایع در توسعه و رشد مناطق روستایی و تعادل بین شهر و روستا از اهمیت زیادی برخوردارند. به طوری که رشد و توسعه بخش کشاورزی افزایش درآمد و سطح رفاه روستائیان، کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر و استفاده بهینه از منابع موجود در منطقه را به ارمغان خواهد آورد. ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی کشور و طرح آن به عنوان یک جریان تولیدی وسیع و همه جانبه و در جایگاه مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و همچنین یک جانشین نیرومند برای جذب نیروی کار مازاد بر فعالیت های کشاورزی در مناطق روستایی از اهداف اصلی ایجاد صنعت روستایی کشور می باشد (مهندسان مشاور راهور، ۱۳۸۵: ۸۱-۷۲). مروری بر پیشینه تحقیق و بررسی های موردی در خارج از کشور درباره پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی به خوبی این واقعیت را نشان می دهد که اشتغال زایی بخش غیر کشاورزی را می توان راهبرد مناسبی برای اشتغال روستایی دانست و در این میان صنایع روستایی برای راهکار اشتغال زایی، نسبت به سایر فعالیت های غیر کشاورزی مفید تر است (Lanjouw, 2008: 248). صنایع کوچک روستایی از لحاظ توانایی بالایی که در جذب نیروی کار دارند (به علت کاربرد بودن این صنایع)، منابع عمده ای برای کسب درآمد هستند که منجر به کاهش شکاف درآمدی در سطح روستاها می گردد. این بخش می تواند برای گروه های کم زمین یا فاقد زمین که درآمد کشاورزی پاسخ گوی نیازهایشان نیست، ایجاد

اشتغال و درآمد نماید (Skinner, 2007: 367). در ایران نیز تحقیقات سودمندی در زمینه نقش صنعتی سازی روستاها در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها از سوی محققانی چون طاهر خانی (۱۳۶۹)، مطیعی لنگرودی (۱۳۷۹)، رحیمی (۱۳۸۳)، دربان استان (۱۳۸۴)، شایان و حکمت شاهی (۱۳۸۶) انجام گرفته است. در این تحقیقات به منظور سنجش آثار و پیامدهای صنعتی سازی روستاها، میزان تغییر شاخص های اقتصادی- اجتماعی در نزد شاغلان بخش صنعت با استفاده از طرح پانل در دوره قبل و بعد از اشتغال بررسی شده اند. مقاله حاضر سعی دارد برای پی بردن به نقش صنایع کوچک روستایی بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی به صورت مقایسه ای روستاهای دارا و فاقد صنایع بومهن را مورد آزمون قرار دهد.

مواد و روش ها

با نگاهی به نظریات گوناگون در مورد تأثیر صنایع روستایی بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی، این پژوهش با این فرض که استقرار واحدهای صنعتی در روستاهای مورد بررسی، در بهبود درآمد، الگوی مصرف و تغییرات در ترکیب سنی جمعیت و ثبات شغلی و مشارکت در روستاهای دارای صنایع موثر بوده، در سطح یک ناحیه جغرافیایی مشخص و محدود انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش شناخت رابطه بین ایجاد صنایع روستایی و تغییرات شاخص های اقتصادی و اجتماعی در روستاهای دارای صنایع است. این پژوهش که به صورت نمونه ای در تعدادی از روستاهای شهر بومهن انجام گرفته، در پی پاسخگویی به این سوال است که: آیا بین ایجاد صنایع روستایی در روستاهای شهر بومهن و بهبود شاخص های اقتصادی و اجتماعی رابطه ای وجود دارد؟

جامعه و نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری محدوده مورد مطالعه، دهستان سیاهرود از بخش مرکزی شهر بومهن است. این بخش طبق آخرین تقسیمات سیاسی مشتمل بر یک دهستان و ۶۷ آبادی مسکونی و دارای جمعیتی در حدود ۸۹۸۳ نفر است. برای انتخاب حجم نمونه ابتدا روستاها به دو گروه دارای صنایع (۵ روستا) و فاقد صنایع (۵ روستا) تقسیم و سپس ۲۰ درصد از هرگروه انتخاب شدند. در مرحله بعدی برای انتخاب خانوارهای نمونه، کلیه روستاها با توجه به طبقه ای که در آن

قرار داشتند، کدبندی وبا استفاده از نرم افزار SPSS, MINI- TAB، ۱۰ روستا به شیوه تصادفی انتخاب شدند. بدین ترتیب حجم کل خانوارهای انتخابی ۲۳۸۵ به دست آمد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۴۸ خانوار برای مطالعه انتخاب شدند. از این تعداد به روش تخصیص متناسب ۲۰۸ خانوار از شاغلان در بخش صنعت و ۱۰۸ خانوار از شاغلان در بخش غیر صنایع به صورت نمونه گیری تصادفی ساده تعیین شدند. به منظور گردآوری داده های تحقیق از ۲۴۸ پرسشنامه (پرسشنامه های سرپرستان خانوار و ۲۰۸ پرسشنامه کارگاهی صنعتی) استفاده شده است. در طراحی پرسشنامه دقت لازم به عمل آمده تا پرسش ها از سادگی و وضوح کافی برخوردار باشند که بر استفاده صرف عملی از نتایج تحقیق در جهت توسعه فرایند اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است. از آمار پارامتری (فراوانی، میانگین، تحلیل واریانس، آزمون f دانگن و آزمون t) و آمار ناپارامتری (آزمون لامان و یتنی) به ترتیب برای تعیین میزان معناداری تفاوت اهمیت ایجاد صنایع در بهبود متغیرها و تحلیل بهتر نمونه ها استفاده شده است. برای سنجش تأثیرات صناعی از تعدادی شاخص استفاده گردیده که برای سنجش آنها در پرسشنامه سوالات متعددی در نظر گرفته شد. در این میان تعدادی از شاخص های سازگار مرتبط با سنجش تأثیر صنایع و میزان اثر گذاری آن در روستاهای مورد مطالعه انتخاب شده اند. شاخص های معرف میزان تأثیر گذاری صنایع که مبنای تنظیم پرسشنامه ها نیز بوده اند، عبارتند از: شاخص هایی در زمینه، درآمد، الگوی مصرف، ترکیب سنی و جنسی جمعیت، جلوگیری از مهاجرت، رضایت شغلی، مشارکت در امور روستا، استفاده از رسانه، سواد، بیمه، کیفیت و کمیت مسکن روستایی. با توجه به قلمرو مورد مطالعه سهم هر یک از روستاهای همگن از حجم نمونه انتخاب شد. لازم به ذکر است که برای تعیین همگن بودن روستاها از فرمول زیر استفاده شده است:

$$sd_D = \frac{\sum (D_i - D)^2}{N}, \quad \bar{D} = \frac{\sum_{j=1}^n D_i}{n}$$

و در مرحله بعد، برای یافتن روستاهای همگن، فواصل حد بالا (d)+ و حد پائین (d)- و طبق فرمول زیر به دست آمد:

$$\bar{D} = D - 2Sd \quad , \quad D^+ = D + \Omega Sd$$

در اینجا عدد ۲ همان مقدار Z (توزیع نرمال) است که در سطح ۹۵ درصد محاسبه شده است. روستاهای واقع در محدوده D^+ , D^- همگن تلقی می شوند و با توجه به مقدار $0I$ برخی از روستاها همگن نبوده اند و حذف شده اند (عمیدی، ۱۳۸۱: ۴۳ و ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۲).

قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه

شهر بومهن در مختصات جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این شهر در ۴۰ کیلومتری کلانشهر تهران واقع شده و یکی از شهرهای شهرستان تهران می باشد (سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۳۸۶: ۳۳ و وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۶: ۲۹). این شهر دارای چهار واحد صنعتی، کارگاهی است که به منظور شناخت بیشتر، هر یک از آنها مورد بحث و بررسی قرار می گیرند (جدول ۱).

الف- واحد صنعتی خرمدشت: در غرب شهر بومهن و در کنار روستای خرمدشت واقع است. این شهرک با مساحتی معادل ۸۰ هکتار در سال ۱۳۶۸ به تصویب هیأت دولت رسید و تاکنون حدود ۷۳ درصد اراضی آن به سرمایه گذاران واگذار شده است. تعداد قراردادهای منعقد شده در این شهرک که بزرگ ترین شهرک صنعتی در محدوده مورد مطالعه است حدود ۱۰۰ فقره و با ظرفیت اشتغال ۵۴۰۰ نفر می باشد (شرکت شهرکهای صنعتی استان تهران، ۱۳۸۶: ۸۳). واحدهای تولیدی فعال این شهرک عبارتند از:

مواد غذایی، آشامیدنی، نساجی پوشاک و چرم، چوب و محصولات چوبی و محصولات پلاستیکی، شیمیایی، شیشه و فراورده های شیشه ای و تولیدات فلز و ماشین آلات صنعتی. در خرمدشت امکانات زیربنایی از قبیل آب، برق، مخابرات، موجود بوده ولی در زمینه شبکه جمع آوری فاضلات و ایجاد فضای سبز اقدام لازم صورت نگرفته است (نصیری، ۱۳۸۶: ۳۵۱-۳۵۰).

ب- واحد صنعتی سیاه سنگ: این شهرک در قسمت شرقی بومهن و در نزدیکی روستای سیاه سنگ واقع شده است. ساخت این شهرک با مساحتی معادل ۵۰ هکتار در سال ۱۳۸۶ به

تصویب رسید و حدود ۶۹ درصد از اراضی آن به سرمایه‌گذاران واگذار شده است. تاکنون ۷۰ واحد تولیدی با ظرفیت اشتغال ۱۱۰۰ نفر به بهره‌برداری کامل رسیده است (www.sanayeh.2A.org).

ج- واحد صنعتی باغ کمیش: در جنوب بومهن واقع شده و دارای مساحتی معادل ۳۰ هکتار است که حدود ۸۸ درصد از اراضی آن به افراد واگذار شده و ظرفیت اشتغال آن حدود ۹۸۰ نفر می‌باشد (www.industry.Tehran.ir).

د- کرشت و پله سنجر: به ترتیب در غرب و شرق بومهن واقع شده اند و در مجموع دارای ۴۰ هکتار وسعت می‌باشند که ظرفیت اشتغال آن‌ها حدود ۷۵۰ نفر می‌باشد (شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران، ۱۳۸۶، ۴۳ و وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۶: ۵۵).

جدول ۱- مشخصات واحدهای صنعتی در حال بهره‌برداری بومهن در سال ۱۳۸۶

مکان صنایع	وضعیت	ظرفیت اشتغال (نفر)	مساحت (هکتار)
خرمدشت	در حال بهره‌برداری	۵۴۰۰	۸۰
سیاه سنگ	در حال بهره‌برداری	۱۲۰۰	۵۰
باغ کمیش	در حال بهره‌برداری	۹۸۰	۳۰
کرشت و پله سنجر	در حال بهره‌برداری	۷۵۰	۴۰
جمع کل	-	۸۳۳۰۰	۲۰۰

وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۳؛ تحقیقات میدانی ۱۳۸۶

در مجموع حدود ۱۰۱۸ واحد کارگاهی و تولیدی در شهر بومهن وجود دارد که در این بین ۹۳۶ واحد کارگاهی- صنعتی به بهره‌برداری کامل رسیده است. در میان واحدهای تولید فعال (۳۲۶ واحد تولیدی چوب و محصولات چوبی، ۳۰۰ واحد تولیدی شیمیایی ۱۴۲ واحد تولیدی پلاستیکی، ۸۰ واحد تولیدات فلزات و ماشین آلات و تجهیزات، ۲۸ واحد شیشه، ۲۸ واحد

کاغذ و مقوا، ۲۵ واحد پوشاک و چرم و ۷ واحد غذایی و آشامیدنی می باشند (نصیری، ۱۳۸۶: ۳۵۴-۳۵۳).

یافته ها و بحث

۱- افزایش درآمد

نتایج حاصله از تحقیقات میدانی طبقات درآمد روزانه روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع تفاوت آشکاری را نشان می دهد. به طوری که حداقل و حداکثر درآمد روزانه در روستاهای فاقد صنایع به ترتیب ۲۰ هزار و ۴۰ هزار ریال است. در صورتی که میزان درآمد روستاهای دارای صنایع حداکثر ۶۰ هزار ریال می باشد (جدول شماره ۲).

جدول ۲- درصد درآمد روزانه خانوارهای روستاهای برخوردار و فاقد صنایع بومهن (واحد هزار ریال)

نام روستا	۱-۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۱-۴۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۱-۶۰۰۰۰	۶۰۰۰۰ و بالاتر
خرمدشت	۵/۲	۷/۷	۳۸/۹	۴۸/۲
سیاه سنگ	۳/۳	۲۷/۲	۳۰/۲	۳۹/۳
باغ گمیش	۲/۱	۴۹/۲	۱۹/۸	۲۸/۹
کرشت	۲	۵۳/۲	۱۹/۵	۲۵/۳
پله سنجر	۱	۵۰/۱	۲۰/۵	۲۸/۴
سنگ لشگری	۴۵/۸	۵۴/۲	.	.
طاهر آباد	۴۱/۷	۵۸/۳	.	.
گل خندان	۳۷/۸	۶۲/۲	.	.
واصفجان	۲۹/۷	۷۰/۳	.	.
گل دره	۱۷/۷۱	۸۲/۳	.	.

منبع: تحقیقات میدانی ۱۳۸۶

جدول ۳- مقایسه میانگین درآمد و هزینه خانوار در بین ده روستای مورد مطالعه بومهن از طریق آزمون F/ دانکن

متغیر	منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی (DF)	میانگین مربعات	Z	سطح معناداری
درآمد	بین گروه ها	۲۷۸۴۹۷,۷	۷	۴۴۰۷۱,۱۰۸	۷/۰۸۳	۰/۰۰۰**
	درون گروه ها	۵۹۳۲۱۵,۱	۱۱۷	۵۶۳۴,۳۱۷		
	جمع	۸۷۱۷۱۱۳	۱۲۴			
هزینه کالای مصرفی	بین گروه ها	۵۶۳۸,۹۲۵	۷	۷۶۲,۷۰۴	۳/۰۳۳	۰/۰۰۰۶**
	درون گروه ها	۲۵۵۶۳,۹۲۴	۱۱۷	۴۱۸,۴۹۵		
	جمع	۳۱۲۰۲,۸۴۸	۱۲۴			
هزینه خوراکیها	بین گروه ها	۲۱۴۷۶,۴۲۹	۷	۲۶۳۹,۴۸۵	۲/۸۰۴	۰/۰۱۰**
	درون گروه ها	۶۸۴۲۳,۷۱۹	۱۱۷	۶۸۴,۷۳۳		
	جمع	۴۸ ۸۹۹۰۰	۱۲۴			
هزینه پوشاک	بین گروه ها	۵۳۹۳,۴۳۸	۷	۷۷۰,۳۴۷	۳/۱۷۶	۰/۰۰۴**
	درون گروه ها	۳۸۳۷۷,۵۷۳	۱۱۷	۲۴۲,۵۴۳		
	جمع	۴۳۷۷۱۰۱۱	۱۲۴			
هزینه های درمانی، مسافرت و ..	بین گروه ها	۵۴۶۹,۱۲۹	۷	۷۳۸,۴۳۲	۲/۷۲۱	۰/۰۳۷*
	درون گروه ها	۲۳۶۳۱,۹۸۲	۱۱۷	۳۸۷,۴۴۴		
	جمع	۲۹۱۰۱۱۱۱	۱۲۴			
مجموع هزینه ها	بین گروه ها	۴۰۷۶۲۸۹۸	۷	۲۶۲۰۸,۹۲۵	۴/۶۱۲	۰/۰۰۰**
	درون گروه ها	۱۶۱۹۲۹۳۴۹	۱۱۷	۴۵۱۴,۸۱۲		
	جمع	۲۰۲۶۹۲۲۳۱	۱۲۴			

* معناداری در سطح ۰/۰۵ ** معناداری در سطح ۰/۰۱ منبع: یافته های تحقیق

میانگین درآمد به دست آمده از آزمون F دانکن در جدول شماره ۳ حاکی از آن است که متغیرهای درآمد، هزینه مصرفی، خوراکی ها و غیره در بین گروه ها و درون گروه ها یکسان نمی باشد. از این رو در آزمون F سطح معناداری، در سطح ۰/۰۵ و در سطح ۰/۰۱ در تمام متغیرها تفاوت معناداری را نشان می دهد. برای تحلیل دقیق تر از مقایسه میانگین درآمد و هزینه از آزمون t نیز استفاده شده است. سطح معنی داری در تمام متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است. از طرف دیگر در روستاهای دارای صنایع، میانگین متغیرهای درآمد (۳۳۶/۵۶)، کالاهای مصرفی (۴۸/۸۱) و خوراک (۶۹/۷۱) است ولی در روستاهای فاقد صنایع این ارقام برای متغیرهای فوق به ترتیب ۱۴۳/۲۸، ۳۹/۸۷، ۵۷/۱۳ می باشد که حاکی از تفاوت های آشکاری است.

۲- تغییر در الگوی مصرف

نتایج حاصله از تحقیقات میدانی جدول ۴ نشان می دهد اگرچه کالاهای مصرفی اعم از تلویزیون رنگی، ماشین لباسشویی، یخچال فریزر، کولر، ماشین سواری در هر دو دسته از روستاها رواج دارد، ولی درصد مصارف آنها کاملاً متفاوت است و سایر اقلام مثل ماشین سواری (۴۸/۵۱ درصد)، کامپیوتر (۴۷/۹۲ درصد)، مبلمان (۱۸/۹۴ درصد) و ویدئو (۲۰/۱۹ درصد)، جارو برقی (۲۴/۱۸ درصد) فقط در روستاهای دارای صنایع رواج دارد.

جدول ۴- درصد مصارف کالا در بین خانوار روستاهای برخوردار و فاقد صنایع بومهن

(درصد)

ردیف	کالای مصرفی	روستاهای دارای صنایع	روستاهای فاقد صنایع
۱	تلویزیون رنگی	۹۶/۵۸	۱۷/۱۸
۲	ماشین لباسشویی (خشک کن)	۴۴/۳۴	۴/۱۲
۳	یخچال فریزر	۸۶/۱۲	۱۵/۱
۴	کولر	۵۳/۸۵	۲/۸
۵	ماشین سواری	۴۸/۵۱	۵/۱
۶	کامپیوتر	۴۷/۹۲	۰
۷	مبلمان	۱۸/۹۴	۰

۰	۲۰/۱۹	ویدئو VCD جاروبرقی	۸
۱	۲۴/۱۸	جاروبرقی	۹

منبع: یافته‌های تحقیق

همانطوری که در جدول شماره ۵ آورده شده، مقایسه میانگین‌ها با استفاده از آزمون ناپارامتری مان-ویتنی نشان دهنده آن است که همه اقلام مصرفی بادوام که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، در روستاهای دارا و فاقد صنایع تفاوت معناداری دارند. یعنی درصد خانوارهایی که اقلام مصرفی زیر را دارا هستند، در روستاهای دارای صنایع به مراتب بیشتر از روستاهای فاقد صنایع است.

جدول ۵- مقایسه اقلام مصرفی خانوارها در روستاهای برخوردار و فاقد صنایع بومهن با

استفاده از آزمون Mann-Whitney

ردیف	متغیرها	Manna-whitneyl	Wilcoxin	Z	سطح معناداری
۱	تلویزیون رنگی	۲۷۱۲/۵	۴۴۱۲/۵	-۲/۷۵۳	۰/۰۸۰ Ns
۲	ماشین لباسشویی (خشک کن)	۲۳۷۶/۶	۵۰۸۷/۵	-۲/۹۸۹	۰/۰۰۰**
۳	یخچال فریزر	۱۹۶۷/۵	۳۶۷۸	-۴/۵۹۲	۰/۰۰۰**
۴	کولر	۲۵۷۸/۵	۴۲۹۱/۵	-۱/۸۹۳	۰/۰۰۴**
۵	ماشین سواری	۲۳۵۸/۵	۴۰۶۷/۵	-۲/۸۸۳	۰/۰۰۰**
۶	کامپیوتر	۲۵۲۵/۰	۴۰۷۰/۰	-۲/۳۷۷	۰/۰۰۱**
۷	مبلمان	۲۷۶۸/۰	۴۴۸۲/۰	-۲/۳۴۸	۰/۰۷۰*

NS: عدم معناداری * معناداری در سطح ۰/۰۵ ** معناداری در سطح ۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق

۳- تغییر در ترکیب سنی جمعیت روستایی

طبق اطلاعات جدول ۶، میانگین سنی در روستاهای دارای صنایع بسیار پایین تر از میانگین سنی در روستاهای فاقد صنایع است. به عبارت دیگر در روستاهای دارای صنایع،

سرپرست های خانوارهایی که جزو جمعیت فعال محسوب شده و در گروه های سنی جوان میانسال قرار دارند، به طور میانگین ۳۱/۴ درصد جمعیت در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار می گیرند. در صورتی که سرپرست های خانوار روستاهای فاقد صنایع که به ترتیب سالخورده و میانسال هستند (به طور میانگین ۴۲/۴ درصد از جمعیت در گروه بالاتر از ۷۰ سال بوده اند)، دال بر مهاجرت جوانان در روستاهای فاقد صنایع به دلیل بیکاری و مسائل و مشکلات اقتصادی می باشد (جدول ۶).

جدول ۶- مقایسه جمعیت فعال در روستاهای برخوردار و فاقد صنایع بومهن (به درصد)

گروههای سنی	زیر ۳۰ سال	۳۱-۴۰ سال	۴۱-۵۰ سال	۵۱-۶۰ سال	۶۱-۷۰ سال	بالاتر از ۷۰ سال	
روستاهای فاقد صنایع	خرمدرشت	۲۴/۵	۲۲/۱	۳۲/۴	۱۲/۶	۸	۰/۴
	باغ کمیش	۱۹/۲	۴۲/۱	۲۳/۲	۱۰/۲	۵	۰/۳
	سیاه سنگ جدید	۲۹	۲۷/۲	۳۴/۲	۵/۸	۳	۰/۸
	کرشت	۲۵/۲	۳۰/۲	۳۰/۳	۸/۲	۴	۲/۱
	پله سنجر	۲۲/۱	۳۵/۶	۳۲/۱	۹/۱	۱	۰/۱
روستاهای فاقد صنایع	سنگ لشکری	۴/۷	۵/۹	۱۰/۸	۱۲/۹	۲۵/۲	۴۰/۵
	طاهر آباد	۲/۱	۱۰/۸	۳/۷	۱۵/۲	۲۹/۳	۳۸/۹
	گل خندان	۱/۹	۱۱/۲	۱/۴	۱۱/۱	۲۹/۲	۴۵/۲
	واصفجان	۲/۶	۱۳/۴	۱۲/۸	۱۲/۸	۲۷/۲	۴۳/۸
	گل دره	۲/۱	۱۱/۴	۰/۳	۱۵/۹	۲۵/۱	۴۳/۸
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: یافته های تحقیق

۴- جلوگیری از مهاجرت و ماندگاری جمعیت در روستا

مهاجرت‌های روستا - شهری که پس از اصلاحات اراضی در ایران سرعت فزاینده‌ای به خود گرفته است، هنوز یکی از بزرگ‌ترین معضلات کشور محسوب می‌شود، به نحوی که هر ساله تعداد کثیری از جوانان روستایی برای یافتن شغل و کسب درآمد به سوی شهرها مهاجرت می‌کنند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۶).

جهت بررسی برآیند ایجاد نواحی صنعتی در سطح مناطق روستایی شهر بومهن از دیدگاه ماندگاری شاغلان و تداوم زندگی در روستای محل سکونت متأثر از ایجاد اشتغال جدید، ضمن توجه به انگیزه سرپرست خانوار میزان تمایل خانواده آنها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نوع اشتغال در خانوارهای روستاهای دارا و فاقد صنایع، تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد، به نحوی که روستاهای خرم‌دشت، باغ کمیش، سیاه سنگ جدید، کرشت و پله سنجر که در کنار نواحی صنعتی واقع شده‌اند، نه تنها جمعیت فعال خود را از دست نداده‌اند، بلکه جاذب جمعیت هستند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۳۰/۸ درصد جمعیت روستاهای مذکور مهاجرند که به دلیل اشتغال در واحدهای تولیدی صنعتی در این روستاها اسکان یافته‌اند (مطالعات میدانی، ۱۳۸۶).

۵- رضایت و ثبات شغلی

ایجاد اشتغال و متعاقب آن رضایت شغلی و ثبات درآمدی نیز از پیامدهای مهم صنعتی شدن روستاهاست و سبب افزایش میزان ماندگاری در روستا می‌گردد. نبود اشتغال مولد در روستا از دیدگاه بسیاری از نظریه پردازان اقتصادی می‌تواند به عدم برخورداری از امنیت شغلی و در نهایت به مهاجرت‌های روستایی منجر شود. بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه نواحی صنعتی روستایی، ایجاد اشتغال مولد و پایدار جهت حصول به امنیت و رضایت شغلی روستاییان است. اطلاعات به دست آمده نشان دهنده معنی‌دار بودن رابطه ایجاد صنایع و رضایت و ثبات شغلی است؛ به طوری که سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ که کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد در تأیید آن است که خانوارهای روستاهای دارای صنایع بومهن از رضایت شغلی بالاتری

برخوردار بوده و انگیزه ماندگاری آنان نیز به دلیل موقعیت شغلی بیشتر است این امر در بین شاغلان بخش صنایع بسیار قابل توجه می باشد (یافته های تحقیق).

۶- مشارکت در امور روستا

از دیگر پیامدهای استقرار صنعت، ایجاد انگیزه برای مشارکت های مردمی است که به صورت مشارکت مالی، یدی و مشورتی تجلی می یابد. مهم ترین اثر مشارکتی مردم در روستاهای مورد مطالعه در واگذاری زمین، تأمین آب، برق و سایر زیرساخت ها قابل مشاهده است. بر اساس یافته های آماری جدول ۷ می توان اذعان داشت که با افزایش درآمد روستاییان، میزان مشارکت در جهت توسعه و عمران منطقه نیز افزایش می یابد. گرچه اکثر خانوارهای روستایی چه در روستاهای دارای صنایع و چه در روستاهای فاقد صنایع دارای مشارکت اعم از مشارکت مالی، یدی و مشورتی هستند، ولی مقایسه میانگین ها در ده روستای نمونه گویای آن است که میزان مشارکت در روستاهای دارای صنایع بومهن به مراتب بیشتر می باشد. نتایج بررسی ها نشان می دهد که بین روستاهای دارا و فاقد صنایع از لحاظ مشارکت مالی و یدی با اطمینان ۹۹ درصد، تفاوت معناداری وجود دارد و به دلیل افزایش درآمد، ۷۹/۸ درصد از روستاهای دارای صنایع در مشارکت مالی شرکت داشته اند که این ارقام در روستاهای فاقد صنایع ۲۲/۶ درصد را نشان می دهد. از طرفی دیگر مقایسه شاخص های مشارکتی بر اساس آزمون مان ویتنی (درسطح معنی داری ۰/۰۵) حاکی از آن است که در روستاهای دارای صنایع در تمامی شاخص ها سطح معنی داری ۰/۰۰۰ بیانگر تفاوت معناداری در روستاهای دارا و فاقد صنایع است.

جدول ۷- نسبت مشارکت خانوار در روستاهای برخوردار و فاقد صنایع بومهن (درصد)

نسبت مشارکت در روستاهای فاقد صنایع	نسبت مشارکت در روستای برخوردار صنایع	نوع مشارکت
۲۲/۶	۷۹/۸	مشارکت مالی
۵۵/۶	۹	مشارکت یدی
۲/۵	۲۰/۴	مشارکت مشورتی

منبع: یافته‌های تحقیق

۷- استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی

مطبوعات و رسانه‌های جمعی اهمیت بسزایی در رشد آگاهی و اطلاعات مردم و بخصوص کشاورزان دارا می‌باشد که تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و کتاب‌ها از مهم‌ترین و ملموس‌ترین آنها به شمار می‌آیند و به نظر صاحب‌نظران ارتباط روستاییان با این رسانه‌ها تأثیر زیادی بر آگاهی و بینش آنها خواهد داشت (کثیرلو، ۱۳۸۵: ۲۸).

نتایج حاصل از آزمون t در این تحقیق حاکی از آن است که میزان استفاده از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و همچنین مطالعه کتاب و مجله و روزنامه در روستاهای دارا و فاقد صنایع تفاوت معناداری را نشان می‌دهد (جدول ۸). به طوری که میانگین استفاده از وسایل ارتباط جمعی به ترتیب در روستاهای فاقد و دارای صنایع در ارتباط با استفاده از رادیو (میانگین ۰/۸۵ در برابر ۳/۲۵) روزنامه (۰/۲۲ در برابر ۲/۳۴)، مطالعه مجلات (۰/۱۷ در برابر ۱/۷۲) تفاوت‌های آشکاری را نشان می‌دهد (جدول شماره ۸).

جدول ۸- مقایسه میانگین استفاده از وسایل ارتباط جمعی در روستاهای برخوردار و فاقد

صنایع بومهن با استفاده از آزمون t

متغیرها	عنوان گروه	T	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین
رادیو	A	۲,۵۵	۱۲۳	۰/۰۰۵**	۳,۲۷	۰/۸۵
	B	۲,۹۴	۱۰۶,۹۹	۰/۰۰۴**	۵,۶۱	۳/۲۵
تلویزیون	A	۲,۰۴	۱۲۳	۰/۰۴۵*	۲۱/۱۱	۲۳/۰۴
	B	۱,۱۴	۱۰۷,۸۳	۰/۰۴۹*	۸/۸۵	۲۶/۷۵
مطالعه روزنامه	A	۵,۰۰	۱۲۳	۰/۰۰۰**	۱,۱۲	۰/۲۲
	B	۵,۳۵	۸۶,۲۹	۰/۰۰۰**	۲,۹۵	۲,۳۴
مطالعه مجله و کتاب	A	۳,۰۷	۱۲۲	۰/۰۰۳**	۱/۰۲	۰/۱۷
	B	۳,۲۵	۷۷,۲۱	۰/۰۰۲**	۳/۷۲	۱,۷۲

A: روستاهای فاقد صنایع B: روستاهای برخوردار صنایع *معناداری در سطح ۰/۰۵

**معناداری در سطح ۰/۰۱ منبع: یافته های تحقیق

۸- میزان سواد

نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهند که بین میزان تحصیل سرپرست خانوار در روستاهای دارا و فاقد صنایع بومهن تفاوت معناداری وجود دارد. گفتنی است که میزان تحصیلات همسر سرپرست خانوار نیز در دو گروه مذکور با احتمال ۹۹ درصد تفاوت معناداری را نشان می دهد و میانگین میزان سواد در روستاهای دارای صنایع تقریباً دو برابر در روستاهای فاقد صنایع است (یافته های تحقیق ۱۳۸۶).

۹- خدمات بیمه ای

با ایجاد شهرک ها و نواحی صنعتی، کارکنان واحدهای تولیدی تحت پوشش بیمه های بهداشتی و درمانی و بویژه تأمین اجتماعی قرار گرفته اند. بر اساس مطالعات انجام شده حدود ۸۰/۱ درصد شاغلان در بخش صنایع در جامعه نمونه تحت پوشش بیمه قرار دارند. در حدود ۷۲/۱ درصد خانوارهای روستاهای دارای صنایع بومهن از خدمات بیمه ای برخوردارند، در

صورتی که فقط ۸ درصد خانوارهای روستایی فاقد صنایع تحت پوشش بیمه هستند. این آمار برای تمامی امور بیمه ای اعم از درمانی، بازنشستگی، از کارافتادگی، حوادث و تکمیلی مصداق دارد (یافته های تحقیق).

۱۰- کیفیت و کمیت مسکن روستایی

تأثیر ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی بر کیفیت مسکن روستایی را می توان از نظر مصالح مورد بررسی قرار داد. به طوری که ۸۵/۲ درصد ساختمان های روستاهای دارای صنایع با مصالح مرغوب و به لحاظ کیفیت مهندسی ایجاد شده اند، در صورتی که این رقم در روستاهای فاقد صنایع به ۴۹/۳ درصد می رسد. بر اساس مطالعات میدانی انجام شده در این تحقیق این امر برای روستاییان جامعه نمونه کاملاً مصداق دارد و علاوه بر تفاوت های موجود بین کیفیت مسکن، مساحت آن در روستاهای دارا و فاقد صنایع تفاوت معناداری را نشان می دهد (جدول ۹). علاوه بر این، طبق مطالعات میدانی، وسعت ۸۹/۸ درصد از مسکن روستایی روستاهای دارای صنایع بیش از ۱۰۰ متر مربع بوده که این رقم در روستاهای فاقد صنایع به ۴۲/۱ درصد می رسد. همچنان که در جدول ۹ ملاحظه می شود، سطح معنی داری آزمون برابر با ۰/۰۱ و در روستاهای دارای صنایع کمتر از سطح آزمون می باشد که تفاوت معناداری را نشان می دهد. بررسی میانگین نیز در آزمون جدول ۹ در روستاهای دارای صنایع ۸۶/۲۴ بوده که بیشتر از روستاهای فاقد صنایع است (یافته های تحقیق).

جدول ۹ مقایسه میانگین مساحت مسکن در بین خانوار روستاهای برخوردار و فاقد صنایع

بومهن با استفاده از آزمون t

متغیر ها	عنوان گروه	T	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین
مساحت مسکن (متر مربع)	A	-۲,۴۵	۱۲۳	۰/۰۱۹*	۱۹,۴۷	۷۶,۷۳
	B	-۲,۴۱	۱۲۲,۳۹	۰/۰۰۰	۲۴,۱۸	۸۶,۲۴

A: روستاهای فاقد صنایع B: روستاهای برخوردار صنایع *معناداری در سطح ۰/۰۱

منبع: یافته های تحقیق

نتیجه گیری و پیشنهادات:

در این مقاله با بهره گیری از روش های آماری، تأثیر صنایع روستایی بر شاخص های مورد نظر در نواحی روستایی مورد سنجش واقع شده است. یافته ها حاکی از آن است که بین شاخص ها و ایجاد صنایع رابطه معنی داری وجود دارد. مقایسه میانگین درآمد خانوار و هزینه های مصرفی، خوراک و پوشاک و درمانی در دو دسته از روستاهای دارا و فاقد صنایع در بین گروهها و هم در درون گروهها تفاوت معناداری را نشان می دهد. مقایسه اقلام مصرفی کالا در روستاهای دارا و فاقد صنایع نشان می دهد که با ایجاد صنایع الگوی مصرف نیز تغییر یافته و حتی برخی از اقلام کالاهای مصرفی مانند کامپیوتر (۴۷/۹)، مبلمان (۱۸/۹)، ویدئو (۲۰/۱) و جاروبرقی (۲۴/۱) در روستاهای دارای صنایع در مقابل عدم مصرف آنها در روستاهای فاقد صنایع بسیار جالب توجه است. به تبع ایجاد صنایع، تغییرات عمده ای در ترکیب سنی و جنسی جمعیت دو دسته از روستاها ایجاد شده است. بررسی میانگین گروه های سنی ۳۱ تا ۴۰ سال تفاوت معناداری را نشان می دهد، به طوری که ۱۰/۵ از جمعیت روستاهای فاقد صنایع در گروه مذکور قرار گرفته اند. این در حالی است که به طور میانگین ۳۱/۴ درصد از جمعیت روستاهای دارای صنایع در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار می گیرند و این موضوع دال بر مهاجر پذیری و ماندگاری جمعیت در روستاهای دارای صنایع است. سطح رضایت مندی از شغل نیز شاخصی موثر برای شناسایی تأثیر صنایع روستایی بر توزیع درآمد است که این رضایت مندی در شاغلان واحدهای صنعتی در روستاهای نمونه بالاتر بوده است. بین دو دسته روستاهای مورد بررسی، از لحاظ مشارکت با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معنا داری وجود دارد، به طوری که با ایجاد و بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان مشارکت مالی روستاهای دارای صنایع با ۷۹/۸ درصد در مقابل ۲۶/۶ درصد در روستاهای فاقد صنایع دارای تفاوت های آشکاری است. ایجاد صنایع در روستاها بر میزان استفاده از خدمات بیمه ای نیز تأثیر گذاشته است، به طوری که ۷۲/۱ درصد از خانوارهای دارای صنایع از خدمات بیمه ای استفاده نموده اند. این در حالی است که تنها ۸ درصد از خانوارهای فاقد صنایع تحت پوشش بیمه بوده اند. علاوه بر این، با افزایش میزان درآمد روستاییان حتی کیفیت و کمیت مسکن روستایی

در دو جامعه نمونه تفاوت بارزی را با هم نشان می‌دهد. به طوری که ۸۵/۲ درصد ساختمان‌های روستاهای دارای صنایع دارای مصالح مرغوب بوده و ۸۹/۸ درصد مساحت مساکن روستاییان بیش از ۱۰۰ متر بوده است. این در حالی است که این ارقام در روستاهای فاقد صنایع به ترتیب ۴۹/۳ درصد و ۴۲/۱ درصد را نشان می‌دهد. با توجه به تأثیر صنایع بر مولفه‌های توسعه پیشنهاد می‌شود از طریق احداث کارگاه‌های جدید و تعاونی برای صنایع کوچک، زمینه را برای ورود بیشتر صنایع در اقتصاد محلی روستاهای مورد مطالعه فراهم آورد و از آنجا که ایجاد زیرساخت‌ها در صنایع روستایی موجب دگرگونی وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاییان و افزایش سطح اشتغال و درآمد و بهبود وضعیت زندگی آنان می‌شود، توسعه زیرساخت‌های روستایی بسیار اهمیت دارد. پرداخت تسهیلات در چهارچوب ساختارهای تعاونی و اتحادیه صنایع روستایی، با کاهش هزینه و افزایش بهره‌وری سرمایه نیز می‌توان بسیار موثر باشد. توجه به مشارکت روستاییان در زمینه سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی ضروری است تا در سایه آن توسعه پایدار و همه‌جانبه روستایی حاصل شود. راهکار مناسب برای توسعه صنایع کوچک روستایی بومهن مشارکت خود روستاییان در زمینه سرمایه‌گذاری با تأسیس شرکت‌های تعاونی است، زیرا از این طریق می‌تواند سرمایه لازم برای مشارکت را فراهم آورند.

یادداشت‌ها

- 1- M. T. Hag
- 2- U.C. Nayak
- 3- Ragez
- 4- J. Abraham
- 5- Kokran
- 6- Dankan
- 7- Mann- Whitney

منابع

- ۱- اختر، ع. (۱۳۸۳)، «صد سال عمران روستایی»، ترجمه اسدالله زمانی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲- ساروخانی، ب. (۱۳۷۵)، «روش های تحقیق در علوم اجتماعی»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- ۳- سازمان جغرافیایی ارتش (۱۳۸۶)، «فرهنگ آبادی های کشور»، استان تهران.
- ۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۴)، «مروری بر برنامه ها، استراتژی های توسعه طی سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰»، معاونت برنامه ریزی .
- ۵- شرکت شهرکهای صنعتی استان تهران (۱۳۸۶)، «شناسنامه شهرک های صنعتی شرق تهران».
- ۶- صحرائیان، س.م. (۱۳۸۰)، «اقتصاد ایران، سازمان دهی صنایع کوچک، طراحی دربازسازی ساختار اقتصاد ایران»، تهران: نشر معارف.
- ۷- طاهر خانی، مهدی (۱۳۷۹)، «نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی، نواحی روستایی استان مرکزی)»، فصلنامه ی پژوهش های جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۳۴.
- ۸- عمیدی، ع. (۱۳۸۱)، «نظریه نمونه گیری و کاربردهای آن»، (جلد اول)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۹- کثیرلو، م. (۱۳۸۵)، «تأثیر و نقش رسانه ها در توسعه پایدار روستایی»، انجمن جامعه شناسی روستایی ایران.
- ۱۰- کلانتری، خ. (۱۳۸۰)، «برنامه ریزی و توسعه منطقه ای»، انتشارات نور دانش.
- ۱۱- گرگانی، س.ع. (۱۳۸۶)، «درآمدی بر نظریه های توسعه روستایی»، انتشارات نور علم.

- ۱۲- مطیعی لنگرودی، س.ح. (۱۳۸۰)، «اثرات اقتصادی - اجتماعی شهرک های صنعتی در نواحی روستایی (مطالعه موردی، شهرک صنعتی مشهد)»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳۳.
- ۱۳- مطیعی لنگرودی، س.ح، مرادی، م. (۱۳۸۴)، «جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند»، *فصلنامه پژوهش های جغرافیایی*، شماره ۴۵.
- ۱۴- مهندسان مشاور راهرو (۱۳۸۵)، «راهبردها و سیاست های توسعه روستایی در روستاهای استان مرکزی».
- ۱۵- مومنی، س.ح. (۱۳۸۵)، «شکل گیری و روند تحولات بافت روستایی باتأکید بر صنایع کوچک»، *مجموعه مقالات راهبردهای برنامه ریزی*، شماره ۳۸.
- ۱۶- نجفی کانی، ع.ا. (۱۳۸۵)، «بررسی و ارزیابی اثرات شهرکها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی- اجتماعی مناطق روستایی نمونه موردی، شهرستان بابل»، *فصلنامه ی پژوهش های جغرافیایی*، شماره ۵۸.
- ۱۷- نصیری، ا. (۱۳۸۶)، «پیامدهای زیست محیطی تأثیرات صنایع بر محیط زیست شهر بومهن»، *چهارمین همایش سالانه محیط زیست شهری*، سازمان حفاظت محیط زیست.
- ۱۸- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۵)، «*صنایع روستایی و رهنمودهایی برای توسعه*»، جلد اول.
- ۱۹- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۶)، «*فرهنگ آبادی های کشور*»، استان تهران.
- ۲۰- وزارت صنایع و معادن (۱۳۸۶)، «*خلاصه وضعیت واحدهای صنعتی شهرستان تهران*».
- ۲۱- وزارت صنایع و معادن (۱۳۸۶)، «*گزارش وضعیت واحدهای کارگاهی - صنعتی شهر بومهن*»، جلد اول نوع فعالیت های تولیدی.

22- Abraham, T. (2004), *“Rural industries and rural industrialization”*, London.

- 23- Chad Wilk, W. (2007), "*Spatial organization in rural areas*", Prentice – Hall.
- 24- Lanjouw, P. (2008), "*Rural non-agricultural employment and poverty in Latin America*", Washington DC: World Bank.
- 25- Lee, S. (2007), "Diversification of the rural economy: A case study on rural industrialization in the republic of Korea", INSES.
- 26- Pears, R. (2007), "*Location, development, industry*", Oxford-Blackwell.
- 27- RDP (Rural Development Task Team), (2007), "*Rural development framework*", USA.
- 28- Skinner, N.M. (2007), "Social and environment regulation in rural China", *Geoforum*. Vol. 34. N02.
- 29- Smith, R. (2008), "*Industry cluster analysis*", Melbourne: Blackwell.
- 30- Walkers V. (2007), "*Policy innovation for rural sustainable development*", USA, Rural Policy Research Institute.
- 31- Wetize, R. (2006), "*Regional planning for developing countries*", Cambridge, Mass.
- 32- www.industryTehran.ir 2007.
- 33- www.sanayeh.2A.org.